ISSN: 2645-3940 DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43

The relationship between attachment styles of parents and child: The mediating role of emotional states

Abstract

Introduction: The purpose of the correlation current study was to investigate the relationship attachment styles between parents and children by the mediating role of Emotional Reactions (depression, anxiety, and stress) in individuals in Tehran and Alborz provinces.

Methods: In the present study 288 individuals (167 mothers and 121 fathers) with mean age of 49.68, and their children (153 girls and 135 boys) with mean age of 23.94 were chosen by convenient sampling. Participants filled in Collins & Read Revises Adult Attachment Scale and Depression Anxiety Stress Scale (DASS-21) performed for parents.

Results: In order to evaluate the relationship between variables, Pearson correlation coefficient was used and linear regression analysis used for mediated of analysis. Results show that there is a direct connection between the attachment styles of parents and children ($p<0.01$) and anxiety was mediating between secure attachment styles of parents and children.

Conclusion: Anxiety is effective in correlation between secure attachment style of parents and children.

Keywords: Attachment, Parents, Children, Emotional states

Article Info

Authors:

Saeed Lotfi[1]

Adis Kraskian Mujembari*[2]

Affiliations

1 . PHD Student of Health Psychology, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Place of Research: Tehran , Postal address: Tehran, Shariati St., Dastgerdi St. (Zafar), after Goi Abadi Alley, No. 79, Unit 28, Postal Code: 1911817639, Phone: 09123351629, Email: saeed.lotfi20@yahoo.com.

2 .Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. Phone: 09126087538 Email: adis.kraskian@kiau.ac.ir. (Corresponding author)

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

فصلنامه پرستار و پزشک در رزم/ بهار ۱۴۰۰ / سال نهم

سخن آغازین DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43 ISSN: 2645-3940

رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرزندان: نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین و فرزندان با نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) در آزمودنی‌های استان‌های تهران و البرز بود.

روش‌کار: برای بررسی اهداف پژوهش تعداد ۲۸۸ والد (۱۶۷ مادر، ۱۲۱ پدر) با میانگین سنی ۴۹/۶۸، و فرزندان آن‌ها (۱۵۳ دختر، ۱۳۵ پسر) با میانگین سنی ۲۳/۹۴ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید برای تمام آزمودنی‌ها و مقیاس DASS-۲۱ برای والدین اجرا شد.

یافته‌ها: برای تحلیل رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی نقش واسطه‌ای از تحلیل مسیر، شامل تحلیل رگرسیون خطی و گام‌به‌گام، استفاده شد. نتایج نشان داد بین سبک دلبستگی والدین و فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد ($p<۰/۰۱$) و در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ایمن والدین و فرزندان اضطراب والدین نقش واسطه‌ای دارد.

نتیجه‌گیری: اضطراب در سطح رابطه بین سبک دلبستگی ایمن والدین و فرزندان اثرگذار است.

کلیدواژگان: سبک‌های دلبستگی، والدین، فرزندان، واکنش‌های هیجانی

اطلاعات مقاله

سعید لطفی [۱]
آدیس کراسکیان موجمباری [۲*]

وابستگی سازمانی نویسندگان

۱. دانشجوی دکترای روان شناسی سلامت، گروه روان شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. محل انجام پژوهش: تهران، آدرس پستی: تهران خیابان شریعتی خیابان دستگردی (ظفر) پس از کوچه گوی آبادی، پلاک ۷۹ ، واحد ۲۸، کد پستی: ۱۹۱۱۸۱۷۶۳۹، تلفن: ۰۹۱۲۳۳۵۱۶۲۹ ، ایمیل: saeed.lotfi20@yahoo.com

۲*. استادیار، گروه روان شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. تلفن: ۰۹۱۲۶۰۸۷۵۳۸، ادرس ایمیل: adis.kraskian@kiau.ac.ir. (نویسنده ی مسئول)

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

مقدمه

الگوی دلبستگی که اولین بار توسط بالبی (۱) در زمینه رشد کودکان به کار رفت و توسط اینسورث (۲) قابل بهره برداری شد، توسط هازن و شیور (۳) در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (۴). در اصطلاح نظریه کلاسیک دلبستگی، بزرگسالان دارای دلبستگی ایمن آن دسته از افرادی هستند که نسبت به خود و دیگران نگرشی مثبت داشته، در ارتباطشان متعهد هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می‌کنند (۵). همچنین در روابط وابسته شدن به دیگران به خود مشکلات اندکی دارند. این افراد از ویژگی احساس راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط بین فردی برخوردارند (۶). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی دوسوگرا عمدتا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات مشخص می‌شوند (۷). این افراد دچار تعارض میان نیاز قوی خود برای ایجاد روابط نزدیک و صمیمانه از یک سو و احساس ناامنی از پاسخ‌گویی دیگران به نیازهای خود و احتمال طرد شدن از سوی دیگران هستند (۶). همچنین آن‌ها کمتر به داشتن دیدگاه مثبتی در مورد خودشان گرایش دارند. این سبک با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط همراه با خرسندی کم مرتبط است (۸). بزرگسالان دارای سبک اجتنابی دارای ویژگی هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند (۶) و به هیچ وجه خواهان نزدیکی هیجانی نبوده و خود مختاری را ترجیح می‌دهند (۹). آن‌ها خودشان را به صورت خودبسنده می‌بینند. افراد دارای این سبک آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک نداشته و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (۱۰). بالبی (۱) این فرضیه روان تحلیل‌گران که رابطه‌ی والدین فرزند، الگویی برای روابط صمیمانه فرد در آینده محسوب می‌شود را مورد تاکید قرار می‌دهد. همچنین ون ایجزندورون (۱۱) اظهار نموده در ۸۰ درصد موارد با شناخت سبک دلبستگی والدین، می‌توان سبک دلبستگی فرزندان آن‌ها را نیز پیش‌بینی نمود.

مطالعات زیادی به بررسی رابطه دلبستگی والدین با دلبستگی فرزندان پرداخته‌اند (۱۲) و نتایج نشان داده‌اند که همبستگی والدین و کودکانشان با هم در ارتباط هستند. برای مثال والدین ناایمن، کودکان ناایمنی هم داشته‌اند (۱۳). با توجه به این نتایج می‌توان انتقال سبک‌های دلبستگی در بین نسل‌ها را مشاهده کرد. در حوزه نظریات انتقال بین نسلی دلبستگی که به انتقال سبک‌های دلبستگی از یک نسل به نسل بعدی اشاره دارند بالبی (۱۴) به نقش اثرات اجتماعی به اندازه اثرات ژنتیکی و حتی بیشتر از آنها تاکید می‌کند. والدین ناایمن، کودکان ناایمنی پرورش می‌دهند که آن‌ها نیز در آینده، والدینی ناایمن خواهند بود. اکثر پژوهش‌ها به بررسی دلبستگی والدین و سبک فرزندپروری آن‌ها پرداخته‌اند. اما موضوعی که به آن کمتر اشاره شده، نقش میانجی‌هایی است که در این رابطه حضور دارند و از این میان می‌توان به انواع واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است اشاره کرد و ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با این مولفه‌ها را سنجید. در واقع این موضوعی است که می‌تواند چرخه انتقال بین نسلی سبک‌های دلبستگی را کامل کند.

افسردگی یکی از واکنش‌های هیجانی است که موجب افت کاری و آموزشی، کاهش انگیزه برای انجام طرح‌های تازه و پیدایش مشکلات شغلی و خانوادگی می‌شود (۱۵). در واقع نوع سبک دلبستگی در دوره کودکی یکی از متغیرهایی است که می‌تواند پیش‌بینی کننده میزان افسردگی در دوره بزرگسالی باشد (۱۶). بیفولکو، موران، بال و لی‌لی (۱۷) نشان دادند که وجود هر نوع دلبستگی ناایمن با افسردگی یک‌ساله ارتباط دارد. اضطراب متغیر دیگری است که به بررسی ارتباط آن با سبک دلبستگی پرداخته می‌شود. اضطراب، با نگرانی افراطی و معمولا غیر منطقی در مورد رویدادهایی که در گذشته غیرتهدیدآمیز بوده‌اند و همچنین رویدادهای احتمالی، که به دلیل تداخل در کارکرد اجتماعی و اقتصادی بهنجار اخلال‌گرانه محسوب می‌شوند، مشخص می‌شود. شیوع طول اضطراب در جمعیت عمومی حدود ۱۰ درصد است (۱۸).

در خصوص اضطراب نیز پژوهش‌هایی رابطه بین اضطراب سبک‌های دلبستگی را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافتند که افرادی که دارای دلبستگی ایمن بوده اضطراب کمتری را نسبت به گروه ناایمن نشان می‌دهند و نیز سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به طور معناداری با علائم اضطراب همبستگی دارند (۱۹و۲۰).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آسیب‌های دلبستگی نقش تعیین‌کننده در شکل‌گیری اختلال‌های اضطرابی و افسردگی دارد (۲۱-۲۴). شدت دلبستگی ناایمن موجب آسیب‌پذیری افراد در برابر اختلال‌های اضطرابی و افسردگی می‌شود [۲۵-۲۷]. افراد با سبک دلبستگی ناایمن، در مقایسه با افراد ایمن، سطوح پائین‌تری از عواطف مثبت را تجربه کرده و در مدیریت استرس، اضطراب، افسردگی و سایر عواطف منفی، ناتوانی نشان می‌دهند (۲۸و۲۹).

نیومن، شین و زولینگ (۳۰) در تحقیق خود نشان داده‌اند که سطوح بالای دلبستگی ناایمن اجتنابی، با افزایش اختلال اضطراب تعمیم‌یافته و اختلال وحشت زدگی همراه است. همچنین رابطه‌ی مثبت بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

نشانه‌های افسردگی در پژوهش‌ها تائید شده است (۳۱). تعاملات خانوادگی نابهنجار و سبک دلبستگی اجتنابی پیش‌بین‌های خوبی برای افسردگی در این دوران هستند (۳۲).

استرس نیز متغیر دیگری است که با سبک دلبستگی رابطه تنگاتنگی دارد. در واقع استرس، پاسخ غیر اختصاصی بدن به هرگونه فشاری است که به آن وارد می‌شود (۳۳). این پاسخ در مقابل هر محرک درونی، شناختی یا محرک‌های بیرونی و محیطی با عوامل استرس‌زا بروز داده می‌شود. اگر استرس، ناشی از انتظاراتی باشد که شخص از نظر فیزیکی یا روانی نتواند آن‌ها را برآورده سازد، سلامت جسمی و روانی او به خطر می‌افتد (۳۴). نتایج مطالعات کید و همکاران (۳۵) نشان‌دهنده این است که بین نوع سبک دلبستگی در دوران کودکی و میزان استرس در بزرگسالی رابطه معنی‌داری وجود دارد. آزمایشاتی که تیلور (۳۶) با دستکاری غده هیپوفیز بر روی آزمون گران انجام داد، نشان داد افرادی که در بزرگسالی بیشترین تجربه استرس را دارند در دوره کودکی دلبستگی ایمن کمتری را تجربه کرده‌اند. نتایج پژوهش‌های کاترین و همکاران (۳۷) بر روی افرادی که میزان بالایی از استرس و افسردگی را داشتند (۶۸ نفر) نشان دهنده این است که ارتباط متقابلی بین افسردگی و استرس با نوع سبک دلبستگی این افراد وجود دارد. همانگونه که بالبی باور دارد نظام دلبستگی در شرایط استرس، نگرانی، اضطراب و تنش روانی را به قوی‌ترین شکل خود فعال می‌کند (مانند موقعی که فرد بیمار، خسته یا ترسیده است). از این رو میتوان گفت که افراد دلبسته ایمن با نزدیک شدن به دیگران در مقایسه با افراد دلبسته ناایمن این ناملایمات را کمتر احساس می‌کنند و در نتیجه استرس تجربه شده آنان نسبت به افراد با سبک دلبستگی ناایمن کمتر است. به نظر می‌رسد که علت این موضوع، همان روابط سالم افراد دارای سبک دلبستگی ایمن با دیگران است که منجر به افزایش بهزیستی روانی آن‌ها می‌گردد (۳۸).

شواهد زیادی مبنی بر ارتباط بین یادآوری تجربه دوران کودکی مادر با کیفیت رابطه با فرزندش وجود دارد. این شواهد روز به روز در حال گسترش هستند (۱۴). نظریه تطابق بین نسلی در الگوهای ارتباطی، تاریخچه برجسته‌ای در منابع روانکاوی دارد (۳۹). این نظریه همچنین در تحقیقات اپیدمیولوژی بسیار مورد توجه قرار گرفته است (۴۰). روانشناسان رشد در تحقیقات خود در مورد تفاوت بین فردی، متوجه تاثیر تجربه کودکی مادر و ساختار ارتباط مادر–نوزادی شدند (۴۱). نظریه دلبستگی جان بالبی توضیح قابل درکی برای انتقال اجتماعی الگوی ارتباطی در طول نسل‌ها را ارائه می‌دهد. رابطه دو سویه کودک و فرد مراقب او خیلی زود در فرد نهادینه می‌شود و انتظارات وی و تجربه‌ی ارتباطات آینده او را هدایت می‌کند. این بازنمایی نهادینه شده قابلیت این را دارد که به وسیله تجربیات جدید با افراد دیگر تعدیل یا اصلاح شود ولی با وجود این مقاومتشان در مقابل این تغییرات زیاد است. این نمودها روی روابط فرد در طول زندگی‌اش تاثیر می‌گذارد و حتی به نسل بعد منتقل می‌شود (۳۸). پژوهش پیش‌رو به این سوال می‌پردازد که نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) بر روی الگوی دلبستگی چیست؟

روش کار

این پژوهش همبستگی، با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین و فرزندان با نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی (افسردگی، اضطراب، استرس) در آزمودنی‌ها استان تهران و البرز بود. برای بررسی اهداف پژوهش تعداد ۲۸۸ والد (۱۶۷ مادر، ۱۲۱ پدر) با میانگین سنی ۴۹/۶۸، و فرزندان آن‌ها (۱۵۳دختر، ۱۳۵ پسر) با میانگین سنی ۲۳/۹۴ به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شده است:

۱. پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسال: مقیاس تجدید نظر شده دلبستگی بزرگسال توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه و تنظیم گردید و مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی را در قالب سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، بر اساس ویژگی‌های صفتی، و نه بر اساس ویژگی‌های وابسته به حالت ارزیابی می‌کند (۴۲و۴۳). این پرسشنامه شامل خود ـ ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود ـ توصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده است که توسط علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت برای هر ماده (که از ۱= کاملا مخالفم تا ۵= کاملا موافقم، می‌باشد) سنجیده می شود. تحلیل عوامل ۳ خرده – مقیاس ۶ ماده‌ای را مشخص می‌سازد. کولینز و رید بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازن و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. زیر مقیاس (A) با دلبستگی ناایمن دوسوگرا (AM) مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد [۴۴]، کولینز، برای بررسی قابلیت اعتماد پرسشنامه، میزان آلفای کرونباخ هر زیر مقیاس آن، در دو

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]
[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

نمونه ۱۷۳ و ۱۰۰ نفری از دانشجویان به ترتیب برای زیرمقیاس C ، ۰/۸۱، ۰/۸۲، زیرمقیاسD ، ۰/۷۸، ۰/۸۰ و زیرمقیاسA ، ۰/۸۵، ۰/۸۳، گزارش کرده است. از سوی دیگر در ایران، در پژوهشی که غباری و حدادی در سال ۱۳۸۹ (۴۵) بر روی ۴۶۸ نفر از دانشجویان علوم پزشکی ایران انجام دادند، همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مقیاس سبک دلبستگی بزرگسالان (۴۳) به قرار زیر بوده است: اضطراب (A) ۰/۷۹، مقیاس وابستگی(D) ۰/۵۵ و نزدیک بودن (C) ۰/۴۸.

۲. مقیاس افسردگی اضطراب استرس-مقیاس افسردگی اضطراب استرس (DASS-۲۱): یک آزمون ۲۱ سوالی است که توسط لوی باند و لوی باند در ۱۹۹۵ ساخته شد و علایم افسردگی، اضطراب و استرس را در مقیاس چهار درجه‌ای از نمره ۰ تا ۳ می‌سنجد. نمره فرد در هر مقیاس بر حسب هفت گویه مختص آن مقیاس سنجیده می‌شود. این مقیاس یکی از ابزارهای معتبر برای سنجش نشانه‌های عواطف منفی محسوب می‌شود و پایایی و اعتبار آن در پژوهش‌های متعدد تایید شده است. همبستگی‌ها بین زیرمقیاس افسردگی DASS با آزمون افسردگی بک ۰/۷۰، زیرمقیاس اضطراب با آزمون اضطراب زانگ ۰/۶۷ و زیرمقیاس استرس (تنیدگی) DASS با آزمون تنیدگی ادراک شده ۰/۴۹ بود (۴۶-۴۸).

یافته ها

برای تحلیل رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای بررسی نقش واسطه‌ای از تحلیل مسیر، شامل تحلیل رگرسیون خطی و گام‌به‌گام، استفاده شد. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون آماری ضریب همبستگی در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

در ادامه برای بررسی پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین با واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی تحلیل مسیر شامل سه تحلیل رگرسیون انجام شده است:

جدول شماره ۱ - ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و نتیجه آزمون آماری ضرایب همبستگی (n=۲۸۸).

		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سبک دلبستگی والدین	۱. ایمن	۱/۰۰۰							
	۲. اجتنابی	۰/۱۶۸ **	۱/۰۰۰						
	۳. دوسوگرا/ اضطرابی	-۰/۰۶۷	-۰/۱۲۲ *	۱/۰۰۰					
واکنش‌های هیجانی	۴. افسردگی	۰/۰۷۶	-۰/۱۷۰ **	۰/۲۳۶ **	۱/۰۰۰				
	۵. اضطراب	۰/۱۵۷ **	-۰/۲۲۷ **	۰/۲۰۵ **	۰/۶۷۵ **	۱/۰۰۰			
	۶. استرس	۰/۰۹۹	-۰/۱۷۸ **	۰/۲۲۷ **	۰/۶۳۲ **	۰/۶۵۹ **	۱/۰۰۰		
سبک دلبستگی فرزندان	۷. ایمن	۰/۲۴۳ **	-۰/۱۲۵ *	۰/۰۸۰	۰/۰۲۷	۰/۱۶۶ **	۰/۰۳۳	۱/۰۰۰	
	۸. اجتنابی	۰/۰۵۰	۰/۲۶۳ **	-۰/۱۷۱ **	-۰/۱۳۹ *	-۰/۱۰۱ **	۰/۰۶۲	-۰/۰۴۲	۱/۰۰۰
	۹. دوسوگرا/ اضطرابی	-۰/۰۶۷	-۰/۰۶۹	۰/۲۶۴ **	۰/۰۳۷	۰/۰۵۳	۰/۰۰۴	۰/۰۵۶	-۰/۳۴۱ **

* $p<۰/۰۵$, ** $p<۰/۰۱$

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

۱. رگرسیون خطی: پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین.
۲. رگرسیون خطی: پیش‌بینی واکنش‌های هیجانی بر اساس سبک دلبستگی والدین.
۳. رگرسیون گام به گام: پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین و واکنش های هیجانی.
بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون های سه گانه، چهار شرط مورد بررسی قرار گرفته است:
۱. معناداری رگرسیون نخست؛ که به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین است.
۲. معناداری رگرسیون دوم؛ که به معنای پیش‌بینی واکنش های هیجانی بر اساس سبک دلبستگی والدین است.
۳. معناداری رگرسیون سوم؛ که به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس هر دو متغیر سبک دلبستگی والدین و واکنش‌های هیجانی است.
۴. کوچکتر بودن ضریب خط رگرسیون در تحلیل رگرسیون سوم؛ برای متغیر سبک دلبستگی والدین؛ از ضریب خط رگرسیون در تحلیل رگرسیون نخست.
در صورتی‌که هر چهار شرط فوق برقرار باشد به معنای پیش‌بینی سبک دلبستگی فرزندان بر اساس سبک دلبستگی والدین با واسطه‌گری واکنش‌های هیجانی است.
پس از انجام تحلیل‌های فوق به تفکیک سبک‌های دلبستگی و واکنش‌های هیجانی مشخص شد که صرفا متغیر اضطراب در پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن فرزندان براساس سبک دلبستگی ایمن والدین نقش واسطه‌ای دارد که نتایج تحلیل‌های انجام شده در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، بررسی دو به دو متغیرها نشان داد که؛
الف- بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرزندان رابطه وجود دارد.
ب- بین سبک دلبستگی ایمن (والدین و فرزندان) و اضطراب والدین رابطه وجود دارد.
بر اساس این نتایج، می‌توانیم نقش واسطه‌ای اضطراب را در

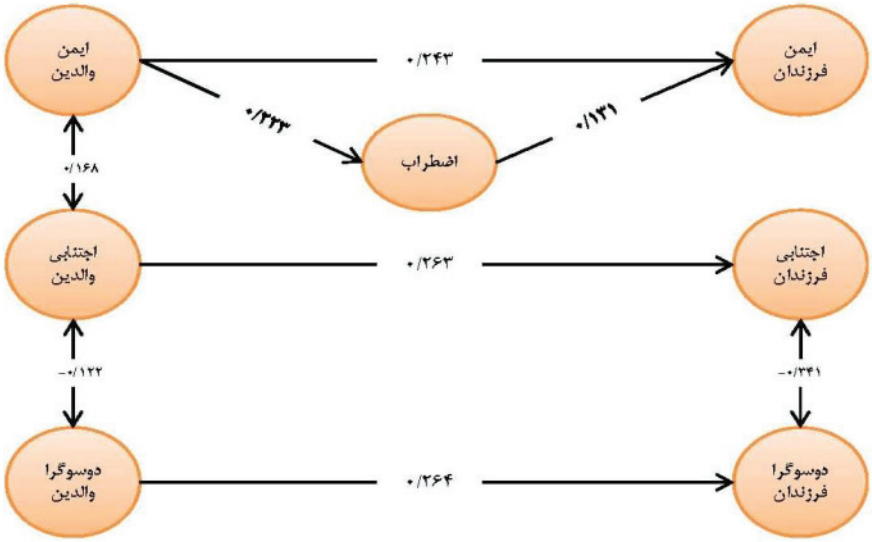
جدول شماره ۲- تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن فرزندان بر اساس سبک دلبستگی ایمن والدین با واسطه‌گری اضطراب

	متغیر		ضریب b		خطای استاندارد	Beta	t
۱	پیش‌بین: سبک ایمن والدین		مقدار ثابت	۹/۹۹۹	۰/۵۶۰	-----	۱۷/۸۵۳ **
	ملاک: سبک ایمن فرزندان		سبک ایمن والدین	۰/۱۹۲	۰/۰۴۵	**۰/۲۴۳**	۴/۲۴۳ **
۲	پیش‌بین: سبک ایمن والدین		مقدار ثابت	۱/۹۱۱	۱/۰۵۲	-----	۱/۸۱۷
	ملاک: اضطراب		سبک ایمن والدین	۰/۲۲۸	۰۸۵	۰/۱۵۷	۲/۶۸۳ **
۳	پیش‌بین: سبک ایمن والدین، و اضطراب ملاک: سبک ایمن فرزندان		مقدار ثابت	۹/۸۶۳	۰/۵۵۹	-----	۱۷/۶۳۷ **
			سبک ایمن والدین	۰/۱۷۶	۰/۰۴۵	**۰/۲۲۳**	۳/۸۶۵ **
			اضطراب	۰/۰۷۱	۰/۰۳۱	۰/۱۳۱	۲/۲۷۲ *

* p<۰/۰۵, ** p<۰/۰۱

نمودار ضرایب استاندارد برآورد شده بر اساس تحلیل مسیر انجام شده در شکل شماره ۱ ترسیم شده است.

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]
[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]



شکل شماره ۱- نمودار مسیر ضرایب استاندارد شدهء اثرات مستقیم و غیر مستقیم سبک دلبستگی والدین بر سبک دلبستگی فرزندان با واسطه‌گری واکنش های هیجانی.

پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن فرزندان از روی سبک دلبستگی ایمن والدین بررسی کنیم. تحلیل این نتایج در جدول شماره ۲ و شکل شماره ۱ نشان می‌دهد که « اضطراب والدین» در این « رابطه و پیشبینی» نقش واسطه‌ای دارد.

نظریه دلبستگی، فرآیندهایی را که طی آن پیوند بین نوزاد و مراقب شکل می‌گیرد، توصیف می‌کند. سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درون کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک-مادر گفته می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها را تعیین می‌کنند (۴۹-۵۲). افراد در طول رشد مجموعه‌ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به واسطه‌ی مجاورت کافی با نگاره‌های دلبستگی را به عنوان مدل‌های درون کاری ثبت و ضبط می‌کنند (۵۳گ).

به دنبال پژوهش‌های بالبی، اینسورث و همکاران (۱و۲) انتظارات کودک درباره حساسیت[1]، مراقب اولیه، منجر به شکل‌گیری تفاوت‌هایی در نوع دلبستگی نوزاد به مراقب می‌گردد و به واسطه این عوامل، کودک به تدریج مدل‌هایی از خود و دیگران را درون‌سازی می‌کند که در دیدگاه دلبستگی، الگوهای فعال درونی[2] می‌گویند (۵۴). به کمک همین الگوها است که شخص وقایع را درک و تفسیر کرده، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند. این سازه‌های شناختی، نماینده‌های خود[3] و دیگری[4] در ارتباطات محسوب می‌شوند که در ابتدا ناهشیار و سپس به آینده منتقل شده و در روابط بعدی فرد با دیگران تاثیر می‌گذارند (۵۵)

حساسیت یک ساختار عمومی است که طیف بزرگی از رفتار والدین را در بر می‌گیرد (۵۶) و ممکن است همه آن رفتارها، به اندازه‌ی هم در به وجود آوردن منبعی برای دلبستگی، قدرتمند نباشند. اگر دلبستگی امن اینگونه تصور شود که دستیابی به روند عمل عقلانی هدفمند برای تنظیم حالت ناخوشایند و انگیختگی در رابطه است (۵۷)، استدلال شده است که آن می‌تواند با دوام بیشتر به دست آید و با انسجام نمایان شود، وقتیکه حالت عاطفی شدید کودک متناسب ولی نه اغراق شده به کودک بازتاب یابد. کودکی که به دنبال راهی برای مدیریت کردن اضطراب‌هایش می‌گردد، در پاسخ مراقبت‌کننده‌اش بازنمایی از حالت روحی خودش را شناسایی می‌کند که ممکن است آن را نهادینه کرده و از آن به عنوان یک استراتژی با سطح بالاتری در تنظیم عاطفی استفاده کند. مراقب با یک بازتاب ترکیبی با نمایش ناسازگار با عاطفه کودک او را آرام می‌کند (بنابراین شاید مقابله کردن را انتقال دهد) (۵۸). این نوع تعریف از حساسیت با روانکاو بریتانیایی، بیون (۵۹) بسیار مشترک است. او به نقش قابلیت ذهنی مادر برای دربرگیری وضعیت عاطفه کودک که برایش غیرقابل‌تحمل است توجه می‌کند؛ مادر با مراقبت‌های فیزیکی به نوزاد پاسخ می‌دهد، درحالیکه می‌داند

1. Sensitivity
2. Internal working models
3. Model of self
4. Model of others

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]
[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

وضعیت ذهنی نوزاد هنوز مشغول تعدیل کردن احساسات غیر قابل کنترل است. اگر دلبستگی امن که یک دست آورد از مهار موفقیت‌آمیز باشد، دلبستگی ناامن می‌تواند به عنوان شناسایی رفتار دفاعی مراقب توسط نوزاد، دیده شود. این فرض وجود دارد که نزدیکی به مراقبت‌کننده به بهای یک توافق با عملکرد انعکاسی است. یک مراقبت‌کننده‌ی اجتنابی، ممکن است به طور کلی در آینه کردن اضطراب کودک در تجربیات دردآور، شکست بخورد. به این دلیل که او ظرفیت تجسم تصویری منسجم از حالت روحی کودک را ندارد. برخلاف آن مراقب اضطرابی، ممکن است حالت نوزاد را اینگونه بازنمایی کند: با تشدید و علامت‌گذاری‌های ناکافی یا پیچیده با پاسخ‌هایی به اضطراب دوگانه والدین با تجربیات خودش، به حدی که پتانسیل نمادین تبادل، از بین می‌رود. در هر دو مورد، نوزاد نگرش مراقب کننده را درونی می‌کند و این ناهمواری قسمتی از تجربه‌ی (خود) نوزاد می‌شود» (۶۰).

از طرفی نتیجه این پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن (والدین، فرزندان) و اضطراب والدین رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج این پژوهش، شاید بهتر است که به جنبه غیر مخرب اضطراب و وجه حیات‌بخش آن پرداخت. در واقع اضطراب به منزله بخشی از زندگی هر انسان، در همه افراد در حد اعتدال‌آمیز وجود دارد و در این حد به عنوان پاسخی سازش‌یافته تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که می‌توان گفت بدون آن، همه ما با مشکلات و خطرات قابل ملاحظه‌ای مواجه خواهیم شد. شاید این میزان از اضطراب و حساسیت والدین، لازمه انتقال سبک دلبستگی ایمن در فرزندان شده و آن را تسهیل نماید.

این موضوع با اهمیت است که گزارش حاضر، توجهی به اطلاعات آینده که ممکن است بتواند تصویر روابط کنونی خانواده را روشن کند، نداشته است. چنانچه پژوهش‌های بیشتری در این زمینه صورت گیرد ممکن است که برخی از ناهماهنگی‌های گزارش حاضر قابل فهم‌تر شوند. به همین دلیل ضروری است که در پژوهش‌های آینده اگر قصد ارائه یک گزارش جامع از تاثیر روابط گذشته روی روابط حال و آینده را داریم به باز نمود ذهنی هر دو والد، تاریخچه دلبستگی و بازنمود ذهنی آن‌ها نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به کودک پرداخته شود.

تشکر و قدردانی

دست اندرکاران این پژوهش بر خود لازم می‌دانند تا از شرکت کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی به عمل آورند. در پژوهش حاضر کلیه موازین اخلاقی رعایت شده و گزارش این پژوهش مورد تایید کمیته علمی منتخب دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج واقع شده است.

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]

منابع

1.Bowlby J. Attachment and loss: retrospect and prospect. American journal of Orthopsychiatry. 1982 Oct;52(4):664.
2.Ainsworth MD, Blehar MC, Waters E, Wall SN. Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation. Psychology Press; 2015 Jun 26.
3.Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. Journal of personality and social psychology. 1987 Mar; 52(3):511.
4.DiTommaso E, Brannen-McNulty C, Ross L, Burgess M. Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. Personality and individual differences. 2003 Jul Mikulincer; 35(2):303-12.
5.Mikulinger M, Shaver PR. An attachment perspective on interpersonal and intergroup conflict. na; 2011.
6.Mikulincer M, Shaver PR. Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change. Guilford Press; 2007 May 14.
7.Collins NL, Feeney BC. Working models of attachment shape perceptions of social support: evidence from experimental and observational studies. Journal of personality and social psychology. 2004 Sep;87(3):363.
8.Morley TE, Moran G. The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. Clinical psychology review. 2011 Nov 1; 31(7):1071-82.
9.Ragsdale JD, Brandau-Brown FE, Bello RS. Who are the restorers?": Attachment style, gender, and relational repair among the remarried. Inannual meeting of the International Communication Association, Dresden, Germany 2006.
10.Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough C, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. Personality and individual differences. 2008 Apr 1;44(5):1246-57.
11.Van Ijzendoorn MH. Adult attachment representations, parental responsiveness, and infant attachment: a meta-analysis on the predictive validity of the Adult Attachment Interview. Psychological bulletin. 1995 May;117(3):387.
12.Millings A, Walsh J, Hepper EG, O'Brien M, Howe D. Good partner, good parent: caregiving mediates the link between romantic attachment and parenting style. Personality and Social Psychology Bulletin. 2012 Aug 20.
13.Roelofs J, Meesters C, Muris P. Correlates of self-reported attachment (in) security in children: The role of parental romantic attachment status and rearing behaviors. Journal of Child and Family Studies. 2008 Aug;17(4):555-66.
14.Bowlby J. Attachment and loss: Volume II: Separation, anxiety and anger. InAttachment and Loss: Volume II: Separation, Anxiety and Anger 1973 (pp. 1-429). London: The Hogarth press and the institute of psycho-analysis.
15.Ruiz P. Comprehensive textbook of psychiatry. Sadock BJ, Sadock VA, editors. Philadelphia, PA: lippincott Williams & wilkins; 2015.
16.Bottonari KA, Roberts JE, Kelly MA, Kashdan TB, Ciesla JA. A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. Behaviour Research and Therapy. 2007 Jan 1;45(1):179-88.
17.Bifulco A, Moran PM, Ball C, Bernazzani O. Adult attachment style. I: Its relationship to clinical depression. Social psychiatry and psychiatric epidemiology. 2002 Feb 1;37(2):50-9.
18.Jacka MJ, Mitchell N, Perez-Parada J. Incidence and prevalence of anxiety, depression, and post-traumatic stress disorder among critical care patients, families, and practitioners. J Anest & Inten Care Med. 2016;1(1):55555.
19.Priceputu M. Attachment style-from theory to the integrative intervention in anxious and depressive symptomathology. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2012 Jan 1;33:934-8.
20.Berant E, Mikulincer M, Shaver PR. Mothers' attachment style, their mental health, and their children's emotional vulnerabilities: A 7-year study of children with congenital heart disease. Journal of personality. 2008 Feb;76(1):31-66.
21.Besharat MA, Hedayati M, Kordmirza Nikozadeh E. Mediating role of interpersonal problems on the relationship between attachment pathologies and depressive symptoms. Journal of Psychological Science. 2013;48:461-80. (Persian)
22.Linares L, Jauregui P, Herrero-Fernández D, Estévez A. Mediationg role of mindfulness as a trait between attachment styles and depressive symptoms. The Journal of psychology. 2016 Oct 2;150(7):881-96.
23.Kadir NB, Bifulco A. Insecure attachment style as a vulnerability factor for depression: Recent findings in a community-based study of Malay single and married mothers. Psychiatry research. 2013 Dec 30;210(3):919-24.
24.Palitsky D, Mota N, Afifi TO, Downs AC, Sareen J. The association between adult attachment style, mental disorders, and suicidality: findings from a population-based study. The Journal of nervous and mental disease. 2013 Jul 1;201(7):579-86.
25.Schimmenti A, Bifulco A. Linking lack of care in childhood to anxiety disorders in emerging adulthood: the role of attachment styles. Child and Adolescent Mental Health. 2015 Feb;20(1):41-8.
26.Linares L, Jauregui P, Herrero-Fernández D, Estévez A. Mediationg role of mindfulness as a trait between attachment styles and depressive symptoms. The Journal of psychology. 2016 Oct 2;150(7):881-96.
27.Besharat MA. Relationship of alexithymia with coping styles and interpersonal problems. Procedia-Social and Behavioral Sciences. 2010 Jan 1;5:614-8. (Persian)
28.Hesse C, Floyd K. Affection mediates the impact of alexithymia on relationships. Personality and Individu-

[Downloaded from npwjm.ajaums.ac.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.29252/npwjm.9.30.43]